

الهیات تطبیقی (علمی پژوهشی)

سال ششم، شماره چهاردهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴

ص ۱۴۸ - ۱۳۹

جنبش اصلاح طلبی یهود و چالش های آن در دوران مدرن

حسین سلیمانی * سید ابراهیم موسوی **

چکیده

با شکل گیری عصر روشنگری در اروپای قرن هجدهم و وقوع انقلاب فرانسه، اندیشه های عقل گرایانه و فلسفی در اروپا گسترش یافت. اندیشمندان روشنگری، که اثبات همه چیز حتی علوم دینی را تنها از راه عقل امکان پذیر می دانستند، شعار آزادی و برابری همه ملت ها را نیز سر می دادند. این گونه اندیشه های آزادی خواهانه، بیش از هر گروهی برای یهودیان شادی آفرین بود، چراکه با توسل به آن می توانستند پایان یک دوره مشکلات و سختی های قوم یهود را رقم بزنند. اندیشمندان نوگرای یهودی به پیشگامی «موسی مندلسون» در قرن هجدهم و تأثیر از روشنگری مسیحی، پذیرش اصول دینی یهودیت را عقلانی دانستند و تصمیم گرفتند دست از پاره ای عقاید دینی خود بردارند. ایشان با اندیشه های تجدید طلبانه، تغییر و اصلاح در برخی آموزه های سنتی همچون ملی گرایی یهود را ضروری دانستند و آن ها را از علل اصلی مشکلات خود در آن دوره بیان کردند. پس از این اصلاحات نخستین، در دوره های بعدی اصلاح گران در مسائل دیگری همچون ازدواج با بیگانگان، طلاق، ختنه، آیین پذیرش جوانان و نظایر آن، تفاسیری جدید و متفاوت با دیدگاه سنتی ارائه نمودند و یهودیت را با چالش هایی مواجه ساختند که در بیشتر این دیدگاه ها، تأثیر جوامع مسیحی بر ایشان مشهود است. پیدایش این اصلاحات تا حدودی سبب گسترش سکولاریسم در میان یهودیان اصلاح طلب گردید. این گونه اقدامات اصلاح طلبان، همواره با واکنش شدید یهودیان سنتی همراه بوده است.

واژه های کلیدی

عصر روشنگری، یهودیت عقل گرا، مسکلیم، یهودیت اصلاح طلب، یهودیت مدرن، سکولاریسم یهود.

مقدمه

با نمایان شدن افق‌های قرن هجدهم، نهضتی عقل‌گرایانه به نام روشنگری بوجود آمد که خواهان آزادی و برابری برای همه‌ی انسان‌ها و مخالفت با نابرابری، خودکامگی و استبداد بود. تلاش برای آزادی، جدا انگاری دین از دنیا و پیشرفت آدمی از جمله آرمان‌هایی بود که اندیشمندان آن‌ها در سر می‌پروراندند. ایشان بر این باور بودند که با تکیه بر عقل، علم و طبیعت، بهشت آرمانی خود را در همین دنیا بنا کنند. اندیشه عقل‌گرایانه‌ای که در آن عصر اروپا را فراگرفته بود، ریشه در آرای اندیشمندانی همچون دکارت، لایب‌نیتس و اسپینوزا در قرن هفدهم داشت. آرا آنان راه فیلسوفانی همچون مونته‌سکیو، ولتر و ولف نشر دادند (گلدمن، ۱۳۷۵: ۱۴) و اعلام کردند که همه‌ی نسل‌ها از هر نژاد و ملیتی، تمدن واحدی را پایه‌گذاری خواهند کرد و در آن سهم یکسانی از پیشرفت خواهند برد. این اندیشمندان به استقلال عقل معتقد بودند و چنین استدلال می‌کردند که عقل بشری می‌تواند بدون توسل به مکاشفه، دانستن همه‌ی آنچه را که درباره دین لازم است، اثبات کند. با گسترش عقل‌گرایی عصر روشنگری در اروپا، رفته رفته راه برای نفوذ این اندیشه بر دیگر ملت‌ها فراهم گردید. اندیشمندان روشنگری که شعار آزادی و برابری همه‌ی ملت‌ها را نیز سر می‌دادند، اعلام کردند که همه‌ی اقوام می‌بایست سهم یکسانی از پیشرفت و آزادی داشته باشند. این‌گونه اندیشه‌های آزادی‌خواهانه بیش از هر گروهی، برای یهودیان شادی‌آور بود، چراکه با توسل به آن می‌توانستند پایانیکی دوره مشکلات و سختی‌های قوم یهود را رقم بزنند؛ لذا اندیشمندان نوگرای یهودی در قرن هجدهم، بیشترین بهره را از روشنگری مسیحی بردند. رهبران کشورهای اروپایی نیز با الهام از اندیشه روشنگری و با تصویب قوانینی، به تدریج موقعیت تازه‌ای را برای آزادی یهودیان فراهم

کردند تا بدان‌جا که یهودیان اجازه می‌یافتند از محله‌های مخصوص (گتو) بیرون آیند و با جهان خارج آزادانه‌تر از قبل ارتباط برقرار کنند.

یهودیان نیز، خود به این نتیجه رسیده بودند که به‌جای آن‌که خویشتن را قوم برتر بدانند و از بقیه ملت‌ها جدا شوند، هم‌رنگ هموطنانشان در کشورهایی که آن‌جا زندگی می‌کردند، شوند و دست از برخی عقاید خود بردارند. اندیشمندان نوگرای آن‌ها، اصلاح در برخی آموزه‌های سنتی را ضروری دانستند تا شاید این‌گونه بتوانند در کنار دیگر اقشار مسیحی زندگی مسالمت‌آمیزی داشته باشند. آن‌ها به برخی اعتقادات یهودی نقد وارد کردند و آن‌ها را از علل اصلی مشکلات خود در آن دوره دانستند و با تأثیرپذیری از اندیشمندان عصر روشنگری، اصول دینی یهودیت را عقلانی اعلام کردند و از پذیرش هرآنچه که از راهی غیر از راه عقلی اثبات شود، سرباز زدند. هم‌زمان با این تعالیم اصلاح‌گرایانه، مخالفت قابل توجهی در درون اردوگاه یهودیان شکل گرفت؛ بسیاری از سنت‌گرایان از نتایج تأثیر ناگهانی فرهنگ‌های بیگانه بر پای‌بندی و وفاداری دینی یهودیان بیمناک شدند. برای این دسته، بسیار سخت بود که از آن‌ها خواسته شود میراث با ارزش و افتخارآمیز دین خود را رها کنند و به جای آن فرهنگ، رسوم و سنت‌های دیگر اقوام را جایگزین سازند؛ لذا به مخالفت با این اقدامات انجام شده پرداختند و دیدگاه‌های خود را ابراز کردند تا شاید این‌گونه بتوانند یهودیت را از خطر فرهنگ بیگانه نجات دهند. اما یهودیان اصلاح‌طلب که خویشتن را نیز متعلق به یهودیت می‌دانستند، به‌طور کلی خواهان تغییراتی در اعمال و عقاید یهودی بودند، تا شاید این‌گونه بتوانند هویت دینی و قومی یهود را با ادبیاتی جدید معرفی کنند.

۱. جنبش اصلاح طلبی یهود

جنبش اصلاح طلبی یهود، جنبشی تجددخواه است که در اواخر قرن هجدهم و پس از شکل‌گیری عصر روشنگری پا به عرصه‌ی وجود گذاشت. پیشگام نهضت روشنگری یهودی در آلمان، شخصی به نام «موسی مندلسون» (Moses Mendelssohn) بود که در ششم سپتامبر سال ۱۷۲۹ در دسائو، شهری در شمال آلمان و در محله یهودی‌ها (گتو) متولد شد (Aviram/Levi, 1996, p. 1328) وی با توجه به اندیشه‌های خاصش خارج از گتو زندگی می‌کرد و معتقد بود که سایر یهودیان نیز می‌توانند از اندیشه‌های کهنه و قدیمی دست بشویند و مناسب با زمان زندگی کنند (اپستاین، ۱۳۸۵: ۳۴۹). «مندلسون» از نظر اندیشه‌های فلسفی، تحت تأثیر اندیشمندانی همچون لایب‌نیس و ولف قرار داشت و با تأثیرپذیری از آن‌ها، نسبت عقل با ایمان را روشن گردانید و از پذیرش هر رکن ایمانی در صورتی که عقل نمی‌توانست آن را کشف کند، خودداری کرد. (همان: ۳۵۰) او پس از مطالعه‌ی آثار الهی‌دانان پیرو مکتب ولف، یهودیت را بر پایه فلسفه عقل‌گرا استوار کرد (Sorkin, 1996, pp. 8, 9). «مندلسون» کتاب مقدس (تورات) را نیز در سال ۱۷۸۰ به آلمانی ترجمه کرد (Seltzer, 1987, p. 370). این ترجمه از مفیدترین اقدامات وی برای کمک به یهودیان آلمان بود، چون باعث شد سایر مردم آلمان با حقایق کتاب تورات آشنا شوند و از بدبینی نسبت به یهودیان بپرهیزند و به نوعی در آلمان زمینه را برای خروج و رهایی یهودیان از گتوها فراهم کرد. سایر نویسندگان جدید یهودی نیز با استفاده از این ترجمه تصمیم گرفتند وضع زندگی یهودیان را تغییر داده و آن‌ها را با جهان نوین آشنا سازند. از جمله مهم‌ترین تألیفات «مندلسون» نیز می‌توان به کتاب «اورشلیم یا درباره قدرت دینی و یهودیت» (Jerusalem

1783) (Or On Religious and Judaism) اشاره کرد. او در این کتاب، که یکی از مهم‌ترین کتب اصلاح‌طلبان یهودی است کوشید تا تصویری عقلانی از یهودیت نشان دهد. این‌گونه آرا و افکار اصلاحی و عقل‌گرایانه «مندلسون» در نهایت سبب شکل‌گیری جنبش اصلاح‌طلب در میان یهودیان پس از او شد و عده‌ای از اندیشمندان یهودی با تأثیر از این‌گونه افکار و اندیشه‌ها، خواهان ایجاد اصلاحاتی دینی در یهودیت شدند. این جنبش در میان یهودیان به «هسکالا» (Haskalah) (جریان روشنفکری یهودی) معروف گشت و همکاران «مندلسون» با تبدیل اصطلاح «هسکالا» به شعار رسمی خود، خویشتن را «مسکلیم» (Maskilim) (روشنفکران) نامیدند. آن‌ها این‌گونه تصور می‌کردند که اگر فرهنگ و تمدن ملت‌های دیگر را بپذیرند، طبیعتاً از نعمت آزادی بیشتر بهره‌مند خواهند شد، لذا تحصیل در فلسفه و ادبیات ملل دیگر و به عبارتی علوم جدید را بسیار مهم دانستند. رهبری فکری این جنبش پس از «مندلسون»، ابتدا «تفتالی هرتس ولسلی» (۱۷۲۵-۱۸۰۵) بود، اما کسی که مقدمات اصول این جنبش را بنیان نهاد کسی جز «دیوید فریدلندر» (۱۷۵۹-۱۸۳۴) نبود؛ او از مشهورترین شاگردان «مندلسون» و مهم‌ترین رهبر این جنبش پس از او بود. پیروان این جنبش تصمیم داشتند تا به جای جدایی طلبی قرون وسطایی که ریشه در برخی عقاید سنتی‌شان داشت، نوعی تعلیم و تربیت مدرن را ایجاد کنند تا در سایه آن بتوانند قوم یهود را به جایگاهی ویژه ارتقا دهند و حقوق پامال شده‌شان را به ایشان بازگردانند. آن‌ها با الهام از اندیشه‌های مدرن، اقدام به تفسیری جدید از برخی آموزه‌های سنتی و دینی خود نمودند که به نظر ایشان تا آن‌زمان سبب عقب افتادگی یهودیان از دیگر ملت‌ها شده بود. آن‌ها خواستار دایر شدن علوم جدید و آموزش‌های حرفه‌ای در کنار علوم دینی و مذهبی برای نسل جوان‌تر

روزهای شنبه کار نکنند، به فعالیت اقتصادی و کوشش در آن روز می‌پرداختند. در واقع این‌گونه تغییرات «مسکیلیم» در خوراک، پوشاک، عبادات و عقاید برای آن بود که، سبک زندگی یهودی سنتی به سبک فردی مدرن تبدیل شود و این‌گونه اصلاحات همه ابعاد زندگی افراد را در برگرد.

۲. مهمترین چالش‌های اصلاح‌طلبی

۲-۱. نقش دینی و اجتماعی زنان

اهمیت نقش دینی و اجتماعی زنان یکی از مهم‌ترین مسائلی بود که یهودیت اصلاح‌طلب از همان آغاز به آن پرداخت. از یک طرف زنان آزادی‌خواه تحت شعارهای روشنگری و اصلاح‌گرایانه، خواستار توجه به جایگاه خود در جامعه آن روز یهود بودند و از طرف دیگر نیز وجود برخی احکام دینی و همچنین مخالفت راست‌کیش‌ها با این امر، یهودیان مدرن را با چالش مواجه کرده بود. اما با این‌وجود، اصلاح‌گران با حمایت خود از فعالیت‌های دینی و اجتماعی زنان سعی داشتند تا از این قشر نیز در جهت گسترش دیدگاه‌های اصلاحی خود استفاده کنند. تا قبل از آن، زنان جایگاه مؤثری در انجام فعالیت‌های مختلف سیاسی و اجتماعی نداشتند. حقوق تلمودی، به شیوه‌های مختلف زنان را از چندین حوزه مهم زندگی استثنا می‌کرد و به کارگیری زنان را در کارهای پرتحرک جامعه و امور قضایی و اجرایی مجاز نمی‌دانست و یا آن‌ها را از انجام آن معاف می‌کرد (اشتاین سالتز، ۱۳۸۴: ۲۰۵). هر چند زنان تا آن زمان عملاً در برخی از امور زندگی نقش فعالی داشتند، اما با این‌وجود آیین یهود به‌طور کلی از زنان می‌خواست تا برای انجام امور عبادی و نظایر آن در محیط‌های مردانه شرکت نکنند و به معبد نروند. اما در قرن نوزدهم، با روی کار آمدن اندیشه‌های نوگرا و

بودند تا علاوه بر مطالعات سنتی بنیان علمی آن‌ها در موضوعاتی همچون ریاضیات، ادبیات، فلسفه و علوم فنی نیز قوت گیرد. بدین ترتیب اصلاح‌گران تصمیم گرفتند تا در برنامه‌های تعلیمی و تربیتی قبلی تجدیدنظر کرده و به درک بهتری از زبان عبری، کتاب مقدس دست‌یابند و ارزش‌های اخلاقی را به یهودیان ارائه دهند. برای تحقق این امر اقدام به ساختن مدارس مدرن یهودی کردند و در سال ۱۷۷۸ اولین مدرسه مدرن یهودی در «برلین» تأسیس شد که در آن دروس مختلف به زبان‌های عبری تدریس می‌شد (Shavit, 2005, p.528). «مسکیلیم»، هدف خود از ساختن این مدارس را آموزش مطالعات سکولار در کنار مطالعات دینی و همچنین استفاده کودکان فقیر و یتیم از آن دانستند (Gartner, 2001, p.101).

«مسکیلیم» به منظور معقول نشان‌دادن یهودیت در دنیای مدرن، با عقلانی دانستن هر موضوعی، از پذیرش هر رکن ایمانی در صورتی که عقل نمی‌توانست آن را اثبات کند، پرهیز می‌کردند و تحت‌تأثیر همین دیدگاه، از برخی عقاید سنتی یهودیت همچون مسیح‌باوری، قومیت یهود، و نظایر آن روی برگرداندند و از آن‌ها تفسیرهای جدیدی ارائه نمودند. برخی از آن‌ها وحیانی و ماورائی بودن کتب مقدس، همچون تورات و تلمود را انکار کردند و بخشی از فرامینی که این کتب داده بودند را نمی‌پذیرفتند و رعایت نمی‌کردند، به طور مثال قوانین کتاب مقدس درباره خوراک را رعایت نمی‌کردند، کتاب مقدس می‌گفت: گوشت خوک نخورید، اما آنها می‌خوردند (نیوزنر، ۱۳۸۹: ۴۷). آن‌ها در توجیه این عمل خود می‌گفتند: ما نمی‌توانیم پاسخ قانع‌کننده‌ای برای این سؤال داشته باشیم که چرا باید قوانین مربوط به رژیم غذایی «کاشر» (Kasher) (غذاهای مجاز در یهودیت؛ حلال شرعی) را نگاه داریم (Jacobs, 1973, p.218). آن‌ها حتی برخلاف دستور تورات که از یهودیان خواسته بود

ادامه داشت تا اینکه جنبش آزادی‌بخش زنان تأثیر خود را بر نهادهای دینی یهود نیز گذاشت و درهای این نهاد بر روی زنان گشوده شد. در سال ۱۹۷۲، اندیشمندان جنبش اصلاح‌طلبی یهود در آمریکا تصمیم گرفتند تا برخلاف سنت ارتدوکسی به زنان اجازه حاخام شدن بدهند و جایگاه حاخامی به آن‌ها اعطا کنند. «سالی پریزند» (Sally Jane Priesand -) اولین زن حاخام جامعه اصلاح‌طلبی یهود در آمریکا است، که در دوم ژوئن سال ۱۹۷۲ از سوی دانشکده اتحاد عبری، به عنوان حاخام کنیسه «سن‌سیناتی» آمریکا انتخاب شد (Baskin, 2004, p. 397). از آن پس، زنان علاوه بر شرکت در محافل و انجمن‌های عمومی و انجام فعالیت مؤثر، توانستند خود را به عنوان یک ربی نیز به جامعه یهود بشناسانند. این امر سبب شد تا جامعه یهود، بجز چند مورد، زنان را به عنوان یک عضو کامل گروه بپذیرند، به گونه‌ای که زنان در صورت تمایل می‌توانستند برخی لباس‌های مخصوص عبادت را که تا قبل از آن مردها در مراسم عبادی استفاده می‌کردند، بپوشند و «تفیلین» (Tefillin) ببندند و یا در مراسم صبح‌گاهی «طلّیت» بر تن ببندند، به همراه مردها نماز بخوانند و در گروه‌های مختلط، مراسم عبادی را رهبری کنند و حتی به عنوان شاهد در دادگاه شهادت دهند، در حالی که این امر، در هلاخاهای سنتی ممنوع شده بود (رایت، ۱۳۸۴: ۲۶۶) و گروه‌های سنتی یهودی نیز به مخالفت با آن می‌پرداختند. در سال‌های اخیر جنبش‌های مدرن، نظیر پدیده فمینیسم به چالشی دیگر برای یهودیان مدرن تبدیل شده، چراکه فمینیسم فراتر از اندیشه جنبش‌های آزادی‌بخش زنان که بیشتر به رعایت حقوق زنان تأکید داشتند، خواهان زن‌محوری و تغییر در همه چیز حتی امور معرفتی شده بود، همین امر باعث شد تا بار دیگر اصلاح‌طلبان، به خاطر حمایت‌های اولیه خود از فمینیسم نیز مورد حمله

اصلاحی، زن یهودی توانست در فعالیت‌های اقتصادی و بازرگانی شرکت کند و در نتیجه فرصت‌های شغلی جدیدی برای زنان افزایش یابد (Gartner, 2001, p. 327) با شکل‌گیری جوامع اصلاحی، جایگاه مشخصی نیز برای زنان در امور مذهبی تعیین شد؛ به این معنی که زنان می‌توانستند مراسم مذهبی را اداره کنند، ربی شوند و آداب سنتی‌ای را به‌جا بیاورند که قبلاً در انحصار مردها بود (رایت، ۱۳۸۴: ۱۹۸). «اسحاق‌مایر وایز» و «کافمن کوهرل» از جمله اصلاح‌گران آمریکایی بودند که خواهان حمایت ویژه، از حقوق زنان شدند (Goldman, 2001, p. 172).

زنان یهودی، نسبت به جنبش‌های آزادی‌خواهانه عمومی زنان یهود بی‌اعتنا نبودند. این انجمن‌ها مراکزی بودند که توسط دختران ثروتمند یهودی در آغاز قرن نوزدهم در شهرهایی همچون برلین و وین شکل گرفتند و در آلمان محلی برای ملاقات، بازدید و گردهم‌آیی افراد سرشناس شدند. تشکیل این‌گونه انجمن‌ها که در واقع پس از کنار گذاشته شدن زبان یدیشی و روی آوردن به زبان آلمانی در جنبش «هسکالا» همراه بود، سبب شد تا زنان آلمانی بیشتر از مردان به ادبیات آلمانی توجه کنند. تشکیل محافل ادبی زنان، در واقع نتیجه توجه آن‌ها به این ادبیات بود. برگزاری این‌گونه محافل و انجمن‌های ادبی زنانه و علاقه نشان‌دادن این قشر به امور غیر دینی از یک طرف، و همچنین نبود سابقه قوی تعالیم دینی در میان زنان از طرف دیگر، سبب شد در سال‌های بعد دیدگاه‌های سکولار میان این قشر بیش از مردان افزایش یابد. این امر باعث شد که اصلاح‌گران از سوی مخالفان تحت فشار قرار گیرند و به عنوان نخستین حامیان انجمن‌های آزادی زنان انگشت اتهام به سوی آن‌ها دراز شود (Grossman, 2005, p. 92).

این روند نقش‌آفرینی جدید زنان یهودی در جامعه،

بیشتری قرار گیرند.

شود (ibed, p.185) پس از آن در سال ۱۹۹۰، کنفرانس مرکزی ربی‌های آمریکایی (Central Conference Of American Rabbis (CCAR)) نیز با ردّ همه‌ی مخالفت‌ها، از ربی شدن همجنس‌بازان حمایت کرد. این‌گونه همایش‌ها همچنان ادامه داشت تا این‌که در سال ۲۰۰۰ نیز با تصویب قطعنامه‌هایی در این باره، از رسمیت ازدواج مدنی این قشر نیز حمایت شد (Grossman, 2005, p.92). به‌طور کلی، اصلاح‌گران به خاطر حمایت‌هایشان از همجنس‌بازان، تا به امروز نیز از سوی سنت‌گراها، همچنان مورد انتقاد قرار می‌گیرند.

۲-۳. ازدواج با بیگانگان

با رهایی‌یافتن یهودیان در قرن هجدهم و پیدا شدن جریان‌های اصلاح‌گرا در درون یهودیت، مجموعه کامل و جدیدی از نگرش‌ها در رابطه با بیگانگان به میان آمد. یهودیان تجددخواه و مترقی که ارتباطی مدام با فرهنگ بیگانه داشتند، در ابتدا از برخی جنبه‌های افراطی‌تر در سنت یهودی صرف‌نظر می‌کردند که از جمله آن‌ها می‌توان بحث ارتباط و ازدواج با بیگانگان را مثال زد. امروزه یکی از مشاجرات خاصی که در ایالات متحده، حاخام‌های اصلاح‌گرا را تحت تأثیر خود قرار داده، موضوع شرکت آن‌ها در مراسم ازدواج‌هایی است که بین یهودیان و بیگانگان صورت می‌گیرد. این امر علاوه بر اختلاف‌نظر با سایر گروه‌ها، میان خود اصلاح‌طلبان نیز با واکنش‌های متفاوتی روبرو شد. در حالی که همایش مرکزی حاخام‌های آمریکا که مجمع حاخام‌های اصلاح‌گرا می‌باشد، اصولاً با چنین مشارکت‌هایی مخالف است، در طرف دیگر به حاخام‌های منفرد اجازه داده است که در این زمینه، به نظر خاص خود عمل کنند. همچنین شورای حاخام‌های نیویورک (New York Board of Rabbis)، متشکل از حاخام‌های راست‌کیشی، محافظه‌کار و

۲-۲. همجنس‌گرایان

یکی از مهم‌ترین مسائلی که اصلاح‌طلبان یهودی در دوران معاصر مطرح کردند، بحث به رسمیت شناختن حقوق دینی و اجتماعی همجنس‌بازان زن و مرد در جامعه دینی یهود بود. اصلاح‌گران، با توجه به شعارهای اصلاحی و چهره‌ی روشنفکرانه خود به دنبال تحقق شعار برابری و رعایت حقوق همه‌ی اقشار جامعه حتی همجنس‌گرایان بودند. طبق آموزه‌های دینی، عهد عتیق رابطه‌ی جنسی بین مردان را ممنوع کرده بود و مجازات آن را اعدام دانسته است (لاویان، ۱۸:۲۲؛ ۱۳:۲۰). تلمود نیز این رابطه را علاوه بر مردان برای زنان هم ممنوع دانسته است (سلیمانی، ۱۳۸۴: ۲۴۴). اما در دوران معاصر با وجود آن‌که همجنس‌بازی در یهود و دیگر ادیان امری زشت و نابهنجار محسوب می‌شد، اصلاح‌گران با نادیده گرفتن این احکام، همچون بسیاری از پیروان کیش مسیحی که قبل از آن، این رابطه را پذیرفته و کلیساهایی را نیز برای این قشر تأسیس کرده بودند، این رابطه را ممنوع ندانستند و با مجاز دانستن این عمل، برای نخستین بار در آیینیهود، شعار رعایت حقوق همجنس‌بازان را نیز سر دادند (Eger, 2001, p.182) تا آن‌جا که حتی همچون مسیحیان، و به‌رغم مخالفت ارتدوکس‌ها، اقدام به تأسیس کنیسه یهودیان همجنس‌باز و انتخاب حاخام از میان این قشر نیز نمودند. و سال‌ها بعد از آن، حتی کنفرانس‌هایی برای همجنس‌بازان نیز برگزار کردند، به گونه‌ای که در سال ۱۹۷۵ در کنگره دوسالانه اتحادیه‌ی جماعت‌های عبرانی آمریکا، بر رعایت تمام حقوق مدنی همجنس‌بازان تأکید شد. همچنین در سال ۱۹۸۷ نیز در این اتحادیه تصویب شد تا حقوق دینی و اجتماعی این قشر همچون داشتن کنیسه و حاخام شدن آن‌ها به طور رسمی پذیرفته

شیوه طلاق اصلاح‌گران به لحاظ هلاخایی ناپذیرفتنی بود، این امر به چالشی برای اصلاح‌گران تبدیل شد، به گونه‌ای که راست‌کیش‌ها اعلام کردند که طبق تعالیم دینی هر بچه‌ای که از ازدواج‌های پس از این‌گونه طلاق‌ها به وجود آید «مَمَزَر» (Mamzar) (حرام‌زاده) به شمار می‌رود و امکان ازدواج آزادانه با هم‌کیشان خود را نخواهد یافت. طبق این عقاید سنتی، شمار زیادی از این کودکان متولد شده در جوامع اصلاح‌گرا، ممزر هستند و این لکه ننگ را نسل‌به‌نسل به بچه‌های خویش نیز منتقل خواهند کرد (آنترمن، ۱۳۸۵: ۳۳۴).

۲-۵. مراسم پذیرش (تأیید)

در نگاه جوامع سنتی یهود، با شروع دوره بلوغ در دختران و پسران، دوره جدیدی برای آن‌ها آغاز می‌شود. دخترها پس از دوازده سالگی و پسرها بعد از سیزده سالگی بالغ به شمار می‌آیند؛ از این‌رو مسئول اعمال خویش در زمینه‌های دینی خواهند بود و به محض این‌که سن پسر از سیزده سالگی می‌گذرد، بلوغش را با مراسمی معروف به «برمیسوا» (Bar Mitzvah) به معنای «پسر مکلف» جشن می‌گیرند تا آن‌ها درک بهتری از تعهد و مسئولیت‌پذیری در زندگی داشته باشند (Morrison & Morrison, 2009, p.106). اما در اوایل قرن نوزدهم در برخی جوامع اصلاح‌گرای آلمانی، به جای جشن برمیسوا به تقلید از سنت مسیحی، آیین پذیرش (Confirmation Ceremony) بوجود آمد که در آن به پسر و دختر به یک چشم نگاه می‌شد و برای هر دوی آن‌ها یکسان مراسم گرفته می‌شد. البته این مراسم جدید برای دخترها با عنوان «بت‌میسوا» (Bat Mitzvah) (دختر مکلف) معروف بود و برای همه پسران و دختران به صورت گروهی و معمولاً در آستانه عید «شواوعوت» (Shavuot) و گرامی‌داشت ده فرمان، برگزار می‌شد. یهودیان اصلاح‌گرا، سن برگزاری

اصلاح‌گرا، در سال ۱۹۷۳ قطعنامه‌ای تعیین کردند که از عضویت کسانی که در چنین ازدواج‌های مختلطی شرکت کرده باشند، جلوگیری می‌کرد. این امر باعث شد تا اصلاح‌گران با چالشی دیگر در این باره روبرو شوند و برای رهایی از آن چاره‌جویی کنند، لذا عده‌ای از حاخام‌های اصلاح‌گرا، از آن شورا استعفا دادند و به دور از تصمیمات این شورا، همچنان به نظر شخصی خود عمل می‌کنند (آنترمن، ۱۳۸۵: ۳۳۳).

۲-۴. طلاق

یکی از جدی‌ترین و دیرپاترین مشکلاتی که میان شکل‌های سنتی و اصلاحی یهودیت وجود دارد، تشریفات طلاق نزد اصلاح‌گران و سنتی‌ها است. طبق دیدگاه هلاخایی، زنی که طلاق سنتی را از سر نگذرانده است، هنوز در عقد ازدواج دائم به سر می‌برد. در این نگاه هلاخایی، تشریفات طلاق احتیاج به تخصص دارد و تلمود هشدار می‌دهد که هر کس از آداب و قوانین طلاق اطلاعی ندارد، نباید آن‌را انجام دهد و با آن سر و کار داشته باشد (اشتاین سالتز، ۱۳۸۴: ۲۰۰). در این نگاه، طلاق در انحصار شوهر است و به صورت سندی که معروف به «گط» (Get) است باید توسط مرد به زن داده شود (آنترمن، ۱۳۸۵: ۲۴۳). در واقع، طلاق زمانی اتفاق می‌افتد که شوهر «گط» را به همسرش تسلیم کند. اما در دوران جدید، اصلاح‌گران با ردّ قوانین تلمودی در باب طلاق، آن‌را ناعادلانه خواندند و خواهان برابری حقوق زن و مرد در این امر شدند و خواستار طلاق مدنی برای زنان، در مقابل طلاق سنتی و هلاخایی شدند (Cohn-Sherbok, 2005, p.547). بدین ترتیب، آن‌ها دیگر تشریفات و مراسم سنتی و هلاخایی طلاق را انجام نمی‌دادند و زن و مرد بدون از سرگذراندن این مراسم سنتی و بر طبق ضوابط مدنی از یکدیگر جدا می‌شدند. از آنجایی که این

این مراسم را تغییر داده و آنرا در شانزده سالگی جشن می‌گیرند. گروه‌های سنتی و راست‌کیش به این عمل اصلاح‌طلبان اعتراض کردند و آنرا بدعت شمردند (ibed)؛ اما با وجود مخالفت رهبری راست‌کیش، این عمل بین جوامع اصلاح‌طلب در اروپای غربی و ایالات متحده همچنان وجود دارد.

۲-۶. ختنه

«بریت میلا» (Berit Milah) یا ختنه پسر بچه در روز هشتم تولد او از دستورهای هلاخایی می‌باشد، که بر عهده پدر آن بچه است. این عمل مراسمی دارد که به همراه آداب خاصی صورت می‌گیرد و یهودیان آن را به عنوان نماد عهد می‌دانند و انجامش را به هر فرد یهودی، حتی افراد نوآیین واجب می‌دانند. با ورود یهودیان به فرهنگ متجدد اروپایی و پیدایش یهودیت اصلاح‌طلب در قرن نوزدهم، گرایش پیدا شد که ختنه را در حد اعمال بربرها و عملی غیرانسانی و دور از شأن یهودیان می‌دانست. جناح تندرو نهضت اصلاح‌طلبی، به رهبری «سموئل هولدهایم» (۱۸۰۸-۱۸۶۰) مدعی بودند که یهودی ختنه نشده از همه جهت یهودی است و باید از انجام آن عمل منع شود. در واقع برخی از اندیشمندان «مسکیلیم»، ختنه را خارج از شریعت موسوی و متوجه حضرت ابراهیم می‌دانستند و به دنبال تفسیری مجدد از این پیمان ابراهیم بودند تا ختنه را به زبانی صرفاً معنوی بیان کنند. اگرچه امروزه اکثر یهودیان اصلاح‌طلب پسران خویش را ختنه می‌کنند، اما این کار آن‌ها بیشتر به خاطر رعایت مسائل پزشکی است و آن قدر که عملی بهداشتی به شمار می‌آید، آیینی دینی دانسته نمی‌شود؛ بدین ترتیب در ایالات متحده که یهودیت اصلاح‌طلب بیشترین پیرو را دارد، ختنه عملی تقریباً رایج و مرسوم است و آن‌ها خواه دینی یا غیردینی به انجام این کار تن داده‌اند (آترمن،

۱۳۸۵: ۲۱۱).

نوآیینی «گیور» (Giyyur)، نیز فرآیندی است که در یهودیت برای ورود بیگانگان به این آیین همراه با مراسمی انجام شود. این فرآیند نزد یهودیان سنتی، همراه با اعمالی همچون غسل ارتماسی و ختنه صورت می‌گیرد. نوآیینیان مذکر «گر» (Ger)، پیش از غسل ارتماسی، آیین ختنه را نیز باید انجام دهند. اما از آنجا که یهودیت اصلاح‌گرا، آیین غسل ارتماسی را به کناری نهاده است و ختنه را به عنوان الزام دینی انجام نمی‌دهد، فرآیند نوآیینی آن از جانب یهودیت راست‌کیش و یا حتی یهودیت محافظه‌کار به رسمیت شناخته نشده است و اعضای این دو گروه معمولاً با نوآیین‌های اصلاح‌طلب ازدواج نمی‌کنند (آترمن، ۱۳۸۵: ص ۳۳).

نتیجه

ظهور جنبش اصلاح‌طلبی یهود، در ابتدا متأثر از عقل‌گرایی عصر روشنگری مسیحی بود به گونه‌ای که اندیشمندان اصلاح‌گر یهودی، با تأثیرپذیری از اندیشه‌های عصر روشنگری اقدام به ایجاد اصلاحاتی در یهودیت نمودند. بخشی از این اصلاحات صورت گرفته شده در یهودیت در جای خود مفید و کارساز بوده است، به گونه‌ای که بسیاری از این اصلاحات سبب شد تا یهودیت، دیوارهای بلند «گتو» را کنار بزند و به زندگی همراه با سختی پایان دهد و با محیط بیرون آزادانه‌تر از قبل ارتباط برقرار کند و در عوض فرصت بیابد تا چهره‌ای مفید و سازنده را از خود به نمایش بگذارد و همچنین جایگاه یهودیت را به عنوان بخش قابل‌توجهی در جامعه بیگانه مطرح سازند. اصلاح‌گران نیز هدف خود را، ارتقای فرهنگی و مدرن کردن اندیشه سنتی یهودیان می‌دانستند، اما با همه این ایده‌آلیسمی که الهام‌بخش رهبران اصلاحات بود، مسکیلیم با انجام این‌گونه تغییرات و اصلاحات، در

- بهباد سالکی، تهران، انجمن حکمت و فلسفه ایران، چاپ اول.
- اشتاین سالتز، آدین (۱۳۸۴)، سیری در تلمود، ترجمه باقر طالبی دارابی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، چاپ دوم.
- رایت، الکساندرا (۱۳۸۴)، «یهودیت»: تدوین جین هولم و جان بوکر، زن در ادیان بزرگ جهان، ترجمه علی غفاری، تهران، امیرکبیر، و شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، چاپ اول.
- سلیمانی، حسین (۱۳۸۴)، «جرائم در حقوق یهودی»، عدالت کیفری در آیین یهود (مجموعه مقالات)، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، چاپ دوم.
- گلدمن، لوسین (۱۳۷۵)، فلسفه روشنگری، ترجمه شیوا (منصوره) کاویانی، تهران، فکر روز، چاپ.
- نیوزنر، جیکوب (۱۳۸۹)، یهودیت، مجموعه ادیان ما، ترجمه مسعود ادیب، قم، نشر ادیان، چاپ اول.
- Aviram, Joseph. /Levi., Yitzhk,(1996), " Mendaelssohn . Moses ",Encyclopedia Judaica, volume 11, Jerusalem, Keter Press.
- Cohn Sherbok, Dan,(2005), Judaism:History, Belief and Practice, London and New York, Routledge.
- Baskin,Judith R.,(2004), "Women in Contemporary Judaism", Jacob Neusner and Alan J. Avery- Peck (eds), The Blackwell Companion to Judaism, Massachusetts, Blackwell.
- Eger, Denise L.,(2001), "Embarking Lesbians and Gaymen: A Reform Jewish Innovation", Dand Evan Kaplan (ed), Contemporary Debates in American Reform Judaism: Conflicting

دور ساختن خود از هویت قوم یهود، که دین یهود بر پایه آن استوار بود، یهودیت را به دین مسیح نزدیک ساخت. هر چند که پیشگامان اولیه این جنبش همچون «مندلسون»، هرگز از آداب و مراسم یهودیت دست برنداشتند و خود را متعلق به قومیت یهود می‌دانستند، اما بسیاری از پیروان ایشان و نسل‌های بعدی در این امر با آنها همراهی نکردند و به اصول و آداب مسیحیت روی آوردند. با نگاهی گذرا به برخی اصلاحات انجام شده، این‌گونه به نظر می‌رسد که گویا این‌دسته از یهودیان، در انجام بخشی از اصلاحات و همچنین پذیرش مدرنیته تحت تأثیر جوامع مسیحی‌ای بوده‌اند که در آنجا می‌زیستند، به‌طوری که در مسائلی همچون مراسم پذیرش (تأیید)، حقوق همجنس‌گرایان، جایگاه دینی و اجتماعی زنان و ... تأثیر جوامع مسیحی بر این جریان اصلاح‌طلب، در روزگار مدرن مشهود است. شاید دلیل این همگون‌سازی را بتوان به خاطر بالا رفتن سطح تماس و ارتباط بین یهودیان و مسیحیان دانست که یهودیان را متوجه آن نمود تا برای آنکه نزد سایر اقوام، خصوصاً همسایگان مسیحی خود بیشتر مورد قبول واقع شوند، این اقدامات را انجام دهند، اما در عمل برخی از این اصلاحات انجام شده سبب شد تا یهودیت مدرن، حتی در دوره‌های بعدی به تدریج چهره‌ای سکولار به خود گیرد و تفسیرهایی غیر دینی از مسائل دینی داشته باشند و در نتیجه یهودیت را با چالش‌هایی همراه سازد که البته این امر واکنش سنت‌گرایان را نیز در پی داشت.

منابع

- کتاب مقدس.
- آنترن، آلن (۱۳۸۵)، باورها و آیین‌های یهودی، ترجمه رضا فرزین، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، چاپ اول.
- اپستاین، ایزیدور (۱۳۸۵)، یهودیت: بررسی تاریخی، ترجمه

- NewYork, Behrman House, INC, Publisher.
- Morrison, Martha A., & Brown, Stephen F.,(2009),Judaism, Joanne Obrien and Martin Palmer (eds), World Religions, NewYork, Chelsea House Publishers, Fourth Edition.
 - Seltzer, Robert M.,(1987), "Mendelsshon, Moses", MirceaEliade (ed), The Encyclopedia of Religion, V 9, NewYork, Macmillan.
 - Sorkin, David,(1996),MOSES Mendelssohn And The Religious Enlightenment, London, Peter Halban.
 - Shavit, Uzi,(2005), "Haskalah [Enlightment]", Glenda Abramson (ed), Encyclopedia of Modern Jewish Culture, Vol 1, London and NewYork, Routledge.
 - Visions, New York and London, Routledge.
 - Gartner, Liloyd P.,(2001),History of the Jews in Modern Times, NewYork, Oxford University Press.
 - Goldman, Karla,(2001), "A Worthier Place: Woman, Reform Judaism And The President Of Hebrew Union College", Dana Evan Kaplan(ed.), Contemporary Debates In American Reform Judaism: Conflicting Visions, New York, Routledge.
 - Grossman, Lawrence,(2005), "Jewish religious denominations", Dana Evan Caplan(ed.), The CambridgeCompanion To American Judaism, New York, Cambridge University Press.
 - Jacobs, Louis,(1973),A Jewish Theology,